

گونه ها در مصاحبه رادیو فردا

با

اعلیحضرت

امیر فیض - حقوقدان

پس از پایان انتخابات ! ریاست جمهوری اسلامی، آقای حسین قویمی از رادیو فردا مصاحبه ای با اعلیحضرت داشت که گونه هائی در آن محل توجه و نقد است.

اظهار نظر فرموده اند که انتخابات ریاست جمهوری ایران نه آزاد است، نه سالم و نه عادلانه، و وقتی زندانیان سیاسی وجود دارد، رسانه ها توقیف هستند اینهمه فراری داریم و افرادی که میخواهند نظارت کنند نمیتوانند، چطور میتوانیم نتیجه این انتخابات را معقول و مشروع بدانیم.



نظر اعلیحضرت یاد آور مدینه فاضله است، ولی مدینه فاضله در جهان امروز جای خود را به قانون داده است. اعلیحضرت خواستار انتخابات آزاد بوده هستند و انتخابات آزاد را هم بر شمول بر بیانیه بین المجالس تعریف و قبول دارند.

دربینانیه بین المجالس شرط لازم برای اینکه انتخابات یک کشور آزاد شناخته شود فقط دو شرط مقرر شده اول قانونی بودن یعنی انتخابات منطبق با قانون انتخابات باشد و دوم منصفانه بودن.

یک سوال قابل توجه در تصریح بیانیه وجود دارد و آن این است که در حالیکه قانونی بودن دلیل بر سالم بودن و عادلانه بودن است چرا بیانیه ذکر واژه منصفانه را هم در کنار قانونی بودن آورده است؟

زیرا که بیانیه به مشکلات اجرائی انتخابات کشورها بمناسبت آنکه در فرهنگ برخی جوامع نفوذ کافی ندارد واقف بوده و خواسته در قضاوت قانونی بودن و یا نبودن انتخابات، صرفاً مرقانون ملاک نباشد بلکه انصاف هم رعایت شود.

سوال اینجاست؛ که آیا انتخابات ریاست جمهوری وفق قانون اساسی و قانون انتخابات جمهوری اسلامی بوده است یاخیر؟ اگر بوده است برای کسانی که در انتخابات شرکت میکنند، قائل به مشروعیت شورش ۵۷ و مشروعیت رفتارندم و در نهایت قانون اساسی جمهوری اسلامی میباشند، لذا ادعای آزاد و سالم و عادلانه نبودن انتخابات جمهوری اسلامی یک بهانه و احتجاج است.

وانگهی اعلیحضرت در مصاحبه ای با بی، بی، سی در رابطه با حمایت خارجیان از مبارزه در مقابل این سوال که دخالت خارجیان چگونه میتواند ایجاد مشروعیت کند فرمودند (اگر ملت به آن رای بدهد واجد مشروعیت میشود) در تطبیق مورد مشارکت مردم و حتی توصیه اعلیحضرت به شرکت مردم در انتخابات نشانه کامل و مشروع بودن انتخابات جمهوری اسلامی است.

انتخابات جمهوری اسلامی از اینجهت مردود است که مبانی حقوقی انتخابات که در مجموع متمرکز بر شورش ۵۷ و همه پرسى ۵۸ و تولد موجود حرامزاده جمهوری اسلامی میباشد، نا مشروع است و این حقیقت مستند با ایراد به انتخابات بسیار تفاوت دارد، مهمترین تفاوت در این است که عدم مشروعیت جمهوری اسلامی منطبق بر حکمت و سنت و شرع است و ایراد به انتخابات متوجه نظر است.

دیگر اینکه کشورهای خارجی به استثنای کانادا که آنهم موقتی و کوتاه مدت بود انتخابات جمهوری اسلامی را آزاد دانسته اند و این خود قرینه ای است بر ضعف نظر اعلیحضرت.

این یادآوری بجاست که وزیر خارجه کانادا در اثرا ایجاد گمراهی بچه های تخس دفتر به اصطلاح شورای ملی! به این راه خطارفت که ناچار به پوزش خواهی شد.

همانطور که در تحریر قبلی مورخ هجدهم ماه جاری زیر عنوان؛ تعطیل حوزه های رای گیری در کانادا^۱ نوشته شد ادعای جاهلانه و سخیفانه شورا دائر به درخواست برسمیت شناختن حق رای برای ایرانیان داخل کشور از دولت کانادا سبب آن فضولی نسنجیده وزیر خارجه کانادا شد که با استیضاح تند آقای پل دویر (حزب مخالف) که گفت متاسفم که وزیر خارجه کشورمان از واقعیت های مسائل ایران بی اطلاع است، رو برو شد، ناچار گردید از مردم ایران عذر خواهی کند.

اشتباه و خطاکاری یک انسان سبب عذر خواهی میشود و این عذر خواهی دلیل بزرگی و انسانیت عذر خواه است، ولی دیده نشده است که حیوان در اثرا اشتباه کاری خود عذر خواهی کند.



اعلیحضرت به آمار شرکت کنندگان در انتخابات که از سوی جمهوری اسلامی منتشر شده نظر نفی ابراز داشته اند.

کاملا درست است اساسا آمارهای درصدی همواره در معرض تزلزل قرار دارد ولی بهترین است که در مقابل ادعای نادرست جمهوری اسلامی آمار میلیونی کسانی که بتوصیه شورای به اصطلاح ملی! و پشتیبانی اعلیحضرت به سفارتخانه های خارجی رای داه اند منتشر شود، که پنهانکاری جمهوری اسلامی در مقابل آمار مراجعین به سفارت رنگ ببازد؟ کلوخ انداز راپاداش سنگ است نه سکوت.

در چندی قبل با ارائه دلایل لازم و بجا از شورای به اصطلاح ملی خواسته شد که آمار میلیونی ایرانیانی که به سفارتخانه ها رجوع کرده اند منتشر شود ولی کوچکترین اعتنایی نشد.^۲

نمیخواهم گفته باشم که ایرانیها موافق شرکت در انتخابات بوده اند ولی بطور مسلم و یقین ایرانیان از توصیه مزبور و رجوع به سفارتخانه ها نفرت داشته و دارند.

در سال ۱۳۸۳ آقای پرویز قاضی سعید که شخصیت مطبوعاتی شناخته شده ای است در لوس آنجلس و در حقیقت گرداننده روزنامه های صبح ایران و عصر امروز بودند طرخی را ارائه دادند و مدعی شدند که قانونی در آمریکا هست که اگر ۵۰۰۰ نفر از کاخ سفید درخواستی بنمایند کاخ سفید به آن توجه خواهد کرد، لذا از ایرانیان خواستند که با نامه و یافکس عدم رضایت و مشروعیت جمهوری

^۱ - <http://www.1400years.org/AmirFeyz/TatilHozehHaveRayCanada-Shora-AmirFeyz-19Jun2013.pdf>

^۲ <http://www.1400years.org/AmirFeyz/SalahiyatePirzadehBeSefarshSec-AmirFeyz-18Jun2013.pdf>

اسلامی را به دفتر روزنامه عصر امروز و یا به کاخ سفید اعلام کنند و آقای قاضی سعید هم قول دادند که نام متقاضیان هم محرمانه بماند و پس از این قول اطمینان دادند که **حمن** با این اسناد به کاخ سفید میروم به کنگره به مقامات وزارت خارجه فرانسه و آلمان و ایتالیا و به مقامات سازمان ملل تسلیم خواهم کرد (مشروح در عصر امروز ۳۶۷۴) (شباهت بین طرح قاضی سعید رابا توصیه شورای به اصطلاح ملی ملاحظه میکنید؟)

آقای قاضی سعید نه تنها به ۵۰۰۰ امضا نرسید بلکه در عصر امروز با تاسف اعلام کرد که حتی به تعداد انگشتان یک دست هم از ایرانیان لوس آنجلس خبری نشد.

شورای به اصطلاح ملی! اگر تجربه کاری داشت میدانست که نباید به چاله ای پابگذارد که قاضی سعید در ۸ سال قبل گذاشت و به رسوائی و بدنامی کشیده شد، و مشاوران اعلیحضرت هم اگر کاردانی و خیر خواه بودند باید تجربه گذشته را بیاد اعلیحضرت میآوردند که در توصیه چنین امر نا مربوط و زنده ای نکوشند.



گونه ای از اظهار نظر اعلیحضرت در این مصاحبه متمرکز برخواست اکثریت مردم معرفی شده و میفرمایند مهم اینجاست که اکثریت مردم آن چیزی را مطالبه میکنند که مشترک است که هر کس بتواند در کشور در صلح و سازش زندگی کند.

خواست انسانها اصولاً زندگی در صلح است ولی نه بهر قیمت. نه به بهای ازدست دادن شرافت ملی و اعتقادی و یا حقوق انسانی خود **بشریت خونهایی که برای حفظ شرافت ملی و اعتقادی خود داده** **بمراتب بیشتر از جهانگشائی های بشری است**

اعلیحضرت هم در گذشته به اهمیت شرافت و حقوق انسانی توجه داشته اند که در پیام بهمن ماه سال ۱۳۷۸ در مقابل پیشنهاد عفو عمومی رژیم فرمودند

«حقوق سیاسی خود رابا چنین عفو معاوضه نکنید»

ایرانیان رفاه و معیشت و صلح را میخواهند، اما نه بدست بیگانه و یا دعوت بیگانه، و این مهم در بیانات اعلیحضرت ملحوظ نگردیده است در صورتی که در گذشته دوبار پایبندی به آن رایاد آور شده بودند.



مصاحبه کننده این پرسش تکراری را که آیا در صورت موفقیت شورا در تشکیل احزاب!! (این دیگر چه خیریت است) آیا حاضرید کاندید ریاست جمهوری شوید؟

اعلیحضرت همان جواب کلیشه ای را ارائه دادند که هدف من آزاد ساختن ایران و صندوق رای است و.....

این سوال شاید چند بار با اعلیحضرت در میان گذاشته شده باشد، برجسته ترین پاسخ ها که در تناقض کامل خودنماست، آنجاست که در مصاحبه ای آمادگی خودشان را برای قبول پست ریاست جمهوری

اعلام فرمودند و در مصاحبه بعدی فرمودند نه من سلطنت را ترجیح میدهم^۳ اکنون هم پاسخ پرسش، اری ویا نه بوده است که تمایلی به پاسخ درست نداشته اند.

واقعا این سردرگمی عمدی است ویا احتیاطی؟ آیا سزاوار است که با چنین موضوع اساسی ومهم شوخی کرد؟

**

اخیرین سوال مصاحبه کننده این بود که هدف محوری شورا چیست؟

سوالات بالا متوجه نظر اعلیحضرت بود ولی سوال آخری متوجه شورای به اصطلاح ملی! است که اعلیحضرت در نقش یک شهروند عادی نمیتواند آنرا پاسخ بدهند و در مقام سخنگوی هم مادام که شورای به اصطلاح ملی! برنامه خود را برای بیان، محول سخنگو نکند سخنگو نمیتواند پیشاپیش نظر خود را جانشین برنامه شورای به اصطلاح ملی! بفرماید، ظاهرا سوال کننده به این مهم توجه نداشته است.

^۳ - اعلیحضرت در ۱۵ آبان ماه ۱۳۸۹ (۲۰۰۳) فرموده اند: ((من برای سلطنت تربیت شده ام، من نان را بنرخ روز نمیخورم، هرکس رابهرکاری ساخته اند)) ح-ک